فهرست مطالب

فصل اول: مقدمه ۱۱

گفتار اول: تعریف حقوق تجارت ۱۲

گفتار دوم: کلیات و منابع حقوق تجارت ۱۲

گفتار سوم: ایجاد تعهد تجاری ۱۴

گفتار چهارم: تاریخچه حقوق تجارت ۱۵

گفتار پنجم: ارتباط حقوق تجارت با دیگر حقوق ۱۶

مبحث اول: ارتباط حقوق تجارت با حقوق مدنی ۱۶

مبحث دوم: رابطه حقوق تجارت با حقوق اساسی ۱۷

مبحث سوم: ارتباط حقوق تجارت با حقوق کار ۱۷

مبحث چهارم: ارتباط حقوق تجارت با حقوق جزا ۱۸

مبحث پنجم: ارتباط حقوق جزا با حقوق اداری ۱۸

مبحث ششم: تجارت در اسلام ۱۸

گفتار ششم: قلمرو حقوق تجارت ۱۹

مبحث اول: مکتب شکلی ۱۹

مبحث دوم: مکتب موضوعی ۲۰

فصل دوم: تاجر، تکالیف تجاری ۲۱

گفتار اول: تعریف تاجر ۲۲

گفتار دوم: انواع عملیات تجاری ۲۵

گفتار سوم: اقسام معاملات تجاری ۲۶

مبحث اول: اعمال تجاری ذاتی ۲۶
مبحث دوم: معاملات تبعی ۳۵
گفتار چهارم: معاملات اموال غیرمنقول ۳۷
گفتار پنجم: تکالیف تاجر ۳۸
مبحث اول: دفاتر تجاری ۳۹
مبحث دوم: ثبت نام در دفتر ثبت تجارتی ۴۱
گفتار ششم: تشخیص کاسب جزء از تاجر ۴۱
فصل سوم: قراردادهای تجاری ۴۷
گفتار اول: دلالی ۴۸
مبحث اول: تعریف دلالی ۴۹
فلسفه استفاده از دلالی: ۵۱
مبحث دوم: اجرت دلال ۵۳
مبحث سوم: تکالیف دلالی ۵۳
مبحث اول: مسئولیت دلال ۵۵
مبحث نمونه: دلالی از روی نمونه ۵۵
مبحث سوم: لزوم اطلاع از جزئیات معامله ۵۵
مبحث چهارم: مسئولیت نسبت به اعتبار اسناد ۵۶
مبحث پنجم: عدم مسئولیت در خصوص موضوع معامله ۵۷
گفتار دوم: حق‌العمل کاری ۵۷
مبحث اول: تعریف حق‌العمل کاری ۵۷
مبحث دوم: تکالیف حق‌العمل‌کار ۵۹
مبحث اول: بیمه اموال موضوع معامله ۵۹
مبحث دوم: عیوب ظاهری در اموال مورد معامله ۵۹
مبحث سوم: کالای فاسد شدنی ۶۰
مبحث چهارم: مسئولیت در تفاوت قیمت ۶۱
گفتار پنجم: فروش مال به کمتر از قیمت و یا به نسیه و یا به اعتبار ۶۲

الف: فروش به کمتر از قیمت ۶۲
ب: فروش به نسیه ۶۳
ج: معامله به اعتبار ۶۳
مبحث ششم: مخارج حق‌العمل کاری و وصول مطالبات ۶۴
مبحث هفتم: شرایط معامله با خود در حق‌العمل کاری ۶۶
گفتار سوم: قرارداد حمل و نقل ۶۸
مبحث اول: تعریف متصدی حمل و نقل ۶۸
مبحث دوم: موضوع حمل و نقل ۶۸
مبحث سوم: مقررات ارسال کالا ۶۹
مبحث چهارم: عیوب ظاهری و استرداد کالا ۷۰
مبحث پنجم: تکالیف متصدی حمل ۷۲
مبحث ششم: مخارج متصدی حمل ۷۴
مبحث هفتم: مرور زمان ۷۵
گفتار چهارم: قائم مقام تجارتی و سایر نمایندگان تجارتی ۷۵
مبحث اول: تعریف قائم مقامی ۷۶
مبحث دوم: محدود کردن اختیارات قائم مقام ۷۶
مبحث سوم: تعدد قائم مقام ۷۷
مبحث چهارم: مقررات قائم مقامی ۷۸
قانون راجع به دلالان ۷۹
فهرست منابع ۸۳

فصل اول:

مقدمه

گفتار اول: تعریف حقوق تجارت

حق، سلطه و امتیازی است که قانونگذار به اشخاص می‌دهد و تجارت بـه عنـوان یـک صـفت است. تجارت مصدر است و از ریشه «ت ج ر» به معنای خرید و فروش معامله کـردن و داد و ستد. تجارت در واقع به معنای تصرف و به کارگیری سرمایه برای به دست آوردن سود است.
واژه تجارت، مفهومی گسترده داشته و بسیاری از معاملات را می‌توانـد شـامل شـود. از جملـه خرید یا تحصیل مال منقول به قصد فروش، عقد اجاره، عملیات واسطه‌گری، حق العمل کاری، تسهیل معاملات، عملیات صرافی، بانکی، بیمه و کشتی‌سازی.
حقوق تجارت بر روابط بین تجار و اعمال تجاری حاکم است و خود به سه رشته فرعی تقسیم می‌شود: حقوق تجارت زمینی حقوق تجارت دریایی و حقوق تجارت هوایی.
اقتصاد امروز نیازمند سرعت عمل و داشتن مهارت‌های خاص خود مـی‌باشـد، ضـمن آنکـه در معاملات تجاری که ریسک سود و زیـان در آن بیشـتر اسـت، مسـتلزم حفـظ حقـوق طـرفین، تعهدات و الزاماتی برای تصمیمات بیشتر را ایجاب می‌نماید.
تجارت از قرون وسطی رونق گرفت و اصول و قواعد مختص به خود را تشکیل داد.

گفتار دوم: کلیات و منابع حقوق تجارت

منبع اصلی حقوق تجارت، قوانین تجارتی می‌باشد که شـاخه‌ای از حقـوق خصوصـی را تشـکیل می‌دهد، ولی از لحاظ اصول کلی حقوقی و در مواردی که قانون تجارت شرایط و تکالیف خاصی را پیش‌بینی ننموده باشد لازم است به مقررات عام حقوق مدنی و در مواردی که با حقوق تجارت و و قوانین خاص صنعتی ارتباط پیدا می‌کند لزوماً به قوانین مزبور نیز مراجعه نمود.
منابع حقوق تجارت به قوانین تجارت، قوانین مدنی، عمومی، عرف و عادت تجاری و نظریـات عملی که هر کدام از منابع ذکر شده از اهمیت بسزایی برخودار و تأثیرگذار می‌باشند.
با توجه به تحول گسترش تجارت و اهمیت رسوم و عرف تجارتی به اصول متداول بـین تجـار نیز می‌بایست مراجعه، به علاوه از نظریات متخصصین نیز جهت پیشبرد اهداف تجاری بهره‌مند گردید.

هدف از اینکه در این مبحث، تاجر و فعالیت‌های تجاری را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم علاوه بر شناخت تاجر و معاملات تجاری، تشخیص و تفکیک تعهدات تجاری از تعهدات مدنی است و در ادامه در مبحث ورشکستگی (تجارت ۴) دیون تجاری و اقدامات پس از ورشکستگی تاجر حائز اهمیت است، به عنوان مثال در ماده ۴۱۲ ق.ت مقرر گردیده؛ ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می‌شود.

در این ماده ۲ شرط عنوان شده اول؛ تاجر بودن ورشکسته دوم؛ توقف او از تأدیه دیونش و البته نوع دین مشخص نشده که آیا صرف عدم پرداخت دین مدنی کافی است یا اینکه لزوماً شخص می‌بایست از پرداخت دیون تجاری عاجز گردد.[۱]

و در مقررات آیین دادرسی مدنی برای طرح دعوا ناگزیر هستیم نوع دعوا را تشخیص دهیم تا بر مبنای آن صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده را احراز نماییم.

> **ماده ۲۱ ق.آ.د.م:** دعوای راجع به توقف یا ورشکستگی باید در دادگاهی اقامه شود که شخص متوقف یا ورشکسته در حوزه آن اقامت داشته باشد و چنانچه در ایران اقامت نداشته باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد.

و در ماده ۵۱۲ ق.آ.د.م مقرر گشته، از تاجر، دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود. تاجری که مدعی اعسار می‌باشد باید برابر مقررات قانون تجارت دادخواست ورشکستگی دهد، کسبه جزء مشمول این ماده نخواهند بود.

همان‌گونه که مطرح شد تشخیص معاملات تجاری یا شخص تاجر از غیر تاجر در حیطه قانون از اهمیت برخوردار است.

---

[۱] معسر کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود به طور موقت قادر به تأدیه آدین نیست. م ۵۰۴ آیین دادرسی مدنی.

گفتار سوم: ایجاد تعهد تجاری

دکتر اسکینی در مقاله قواعد حاکم بر تعهد تجاری در حقوق ایران، تعهد تجاری را مبتنی بر شرایط ماهوی و شکلی می‌داند که در این‌جا خلاصه‌ای از مطالب مقاله فوق مطرح می‌گردد:

شرایط ایجاد تعهد تجاری

در میان شرایط دو شرط اهلیت و رضایت را مورد بررسی قرار داده‌اند و ذکر نموده‌اند؛

الف- اهلیت: قاعدتاً هر کسی که اهلیت انجام امور مدنی را داشته باشد اهلیت انجام امور تجارتی را نیز دارد، اما در حقوق ما برای انجام امور تجاری، قانون‌گذار سختگیری کمتری کرده است به عنوان مثال؛ در حقوق تجارت فرانسه، هیچ‌کس نمی‌تواند به عمل تجارت بپردازد. مگر آن که هیجده سال تمام. یعنی سن معین شده برای رشد مثلاً اگر صغیر غیر محجور براتی را صادر کند عملش تجاری نیست. در رژیم حقوقی ایران، معامله تجاری صغیر اگر ممیز باشد، باطل نیست بلکه غیر نافذ است و با اجازه قبلی قیم دارای نفوذ و یا با اجازه بعدی او قابل تنفیذ است. در واقع به ولی یا قیم اختیار داده است در صورت انقضاء به محجور ممیز اجازه دهد اشتغال ورزد.

نتیجه؛ در حقوق ایران اگر محجور ممیز امور تجارتی را شغل خود قرار دهد، تاجر تلقی می‌شود.

ب- رضایت: مانند قرارداد مدنی در قراردادهای تجاری نیز رضایت طرفین لازم است. نه در قانون مدنی و نه در قانون تجارت قاعده عامی در خصوص سکوت طرفین مبنی بر رضایت یا عدم رضایت طرفین وجود ندارد. ماده ۲۴۹ قانون مدنی در باب معاملات فضولی مقرر کرده: سکوت مالک ولو با حضور در مجلس عقد اجازه محسوب نمی‌شود. از این ماده می‌توان یک اصل کلی استنباط کرد که در حقوق ما سکوت دلیل رضا نیست. البته در برخی موارد تصریح شده سکوت دلیل رضاست. ماده ۱۳۹ قانون تجارت عنوان می‌کند: برای بقای شرکت پس از فوت یکی از شرکاء، شرکاء باز مانده و قائم مقام شریک باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود راجع به بقاء شرکت را کتباً اعلام نماید، سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است. ولی در حالت اصول کلی، در حال تردید سکوت دلیل رضا نمی‌شود.

نتیجه؛ در نظام حقوق تجارت ایران تعهد تجاری، وجود مستقلی از تعهدات مدنی دارد و تابع قواعد ویژه تجاری است که با ماهیت این نوع تعهد منطبق است و در قواعد شکلی، تشریفاتی، ماهیتی، صلاحیت دادگاه‌ها، مهلت اقامه دعوا،ادله اثبات، قابلیت اجرای احکام مصداق دارد.
علت نیز، سرعت و امنیت معاملات تجاری است.[۱]

گفتار چهارم: تاریخچه حقوق تجارت

حقوق تجارت ایران تاریخ مفصلی ندارد و آنچه امروز به عنوان حقوق تجارت می‌شناسیم در حقوق فرانسه ریشه دارد که از حقوق باستان اروپا و رم نشأت گرفته است.
قانون فعلی ایران در سال ۱۳۱۱ تدوین گشته که قبل از این، قانونی اجرا می‌شد که در سال ۱۳۰۳ به تصویب رسیده بود.
امروزه علاوه بر قوانین تجارت و لایحه اصلی که مصوب ۱۳۴۷ می‌باشد منابع دیگری وجود دارد که به برخی در اینجا اشاره می‌شود.

۱- قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ۱۳۱۰
۲- قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰
۳- قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶
۴- قانون راجع به دلال ۱۳۱۷
۵- قانون اداره تصفیه ورشکستگی ۱۳۱۸
۶- قانون راجع به بانکداری ۱۳۳۴
۷- قانون پولی و بانکی کشور ۱۳۳۹ و موارد دیگر.

قانون تجارت ۱۳۱۱ متضمن شانزده باب است که قسمتی از آنها به فعالیت تجاری و فعالان تجاری اختصاص یافته، قسمتی مختص ورشکستگی، اسناد و شرکت‌های تجاری است.

[۱] اسکینی – ربیعا – قواعد حاکم بر تعهد تجاری در حقوق ایران

در مجموعه پیش رو، مباحث مختص به تاجر، معاملات و فعالیت تجاری، دلالی، حق العمل کاری و نماینده تجاری که مباحث مربوط به درس تجارت ۱ دوره کارشناسی حقوق در دانشگاه‌ها می‌باشد می‌پردازیم.

گفتار پنجم: ارتباط حقوق تجارت با دیگر حقوق

علم حقوق به دلیل گستردگی به شعب و شاخه‌های مختلفی تقسیم شده است که بین آن‌ها وابستگی متقابل و هدفی مشابه وجود دارد و این سبب می‌شود که حقوق تجارت را از دیگر شاخه جدا ندانسته و در یک مجموعه قرار دهیم.

حقوق به دو رشته اصلی حقوق عمومی و حقوق خصوصی تقسیم می‌شود، حقوق عمومی که در آن روابط افراد با دولت را تنظیم می‌نماید و رشته‌های عمده آن، حقوق اساسی، حقوق اداری، حقوق جزا و روابط بین دولت‌ها که حقوق بین‌الملل عمومی است، می‌باشد.

حقوق خصوصی نیز یا روابط افراد را با همدیگر تنظیم می‌کند که مهمترین آن‌ها، حقوق مدنی، حقوق تجارت یا روابط افراد را با اتباع دولتهای دیگر تنظیم می‌کند و آن حقوق بین‌الملل خصوصی است.

مبحث اول: ارتباط حقوق تجارت با حقوق مدنی

قانون مدنی به عنوان یکی از مهمترین مباحث و شاخه‌های دانش حقوق با برخورداری از ضمانت اجرا، در قلمرو خاص خود به تنظیم و تنسیق روابط میان افراد می‌پردازد، دامنه این شاخه به حدی وسیع است که در گذشته رشته حقوق تجارت به عنوان فصلی از حقوق مدنی به شمار می‌آمد ولی با توسعه روابط بازرگانی و شیوه‌های جدید داد و ستد، به صورت رشته مستقلی از حقوق درآمده است.[۱]

وابستگی حقوق تجارت به حقوق مدنی انکار ناپذیر است به نحوی که هرجا قانون تجارت در خصوص امری ساکت باشد باید به قانون مدنی مراجعه کرد، همچنین بسیاری از اصول کلی

[۱] اردبیلی- محمدعلی – حقوق جزای عمومی – جلد اول – تهران – میزان – چاپ سی و هفتم ۱۳۹۳ ص ۵۸

راجع به عقود به عنوان اصل اساسی در اعمال تجاری، شرایط اهلیت متعاقدین، شرایط صحت معامله، انواع مال و غیره از مفاهیم و پایه‌ای در اعمال تجاری، در حقوق مدنی پیش‌بینی شده است و حقوق تجارت صحبتی از آن‌ها به میان نیاورده است. لذا می‌توان گفت مقررات حقوق مدنی در رابط تجاری نیز حکمفرماست. برای مثال، مقررات راجع به دلالی در قانون تجارت اصولاً تابع احکام وکالت در حقوق مدنی است.[۱]

با این وجود تفاوت‌هایی نیز بین حقوق مدنی و حقوق تجارت وجود دارد از جمله این که، در حقوق تجارت اصل سرعت نقش مهمی ایفا می‌کند زیرا اصلی داریم به نام تسهیل گردش سرمایه، در حقوق مدنی به ماهیت اعمال بها داده می‌شود ولی در حقوق تجارت به ظاهر اعمال توجه می‌شود و این که تخطی از مقررات آمده در حقوق تجارت گاه موجب مسئولیت کیفری است برخلاف حقوق مدنی.

مبحث دوم: رابطه حقوق تجارت با حقوق اساسی

در حقوق اساسی سازمان عمومی دولت، رژیم سیاسی حاکم و ساختار حکومتی و اختیارات قوای سه‌گانه، حقوق و آزادی‌های فردی، اجتماعی و نظایرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد.[۲]

به طور کلی، در حقوق اساسی ساختار کلی اقتصاد کشور ترسیم شده است و اصولی چون آزادی انتخاب شغل، احترام به مالکیت ... در آن دیده می‌شود. و فعالیت‌های تجاری نیز اصولاً باید تحت نظارت و گاه دخالت تشکیلات اداری و دولتی انجام گیرد که این سبب محدودیت اراده اشخاص خصوصی در تجارت می‌شود.

مبحث سوم: ارتباط حقوق تجارت با حقوق کار

حقوق کار به روابط بین کارگر و کارفرما و قوانین حاکم بر آن‌ها می‌پردازد، لذا هر جا سخن از نیروی کار انسانی باشد نیازمند مراجعه به قوانین و حقوق کار می‌باشیم.[۱]

---

[۱] اسکینی – ربیعا- حقوق تجارت- کلیات، معاملات تجاری- تجار و سازماندهی فعالیت تجاری – جلد اول – تهران – سمت چاپ ششم – ۱۳۸۳ ص ۸۳

[۲] طباطبائی – منوچهر – حقوق اساسی – تهران – میزان – چاپ ششم – ۱۳۸۵- ص۱۴

معمولاً تجار برای اعمال تجارتی خود، کارکنانی دارند که به نام و حساب تاجر فعالیت نموده و در مقابل از تاجر اجرت می‌گیرند. تنظیم روابط میان کارکنان تاجر با او با حقوق کار است و می‌بایست از قوانین آمره حقوق کار تبعیت نمایند.

مبحث چهارم: ارتباط حقوق تجارت با حقوق جزا

در حقوق جزا به بررسی مقرراتی می‌پردازیم که نظم عمومی را تأمین می‌کند، تفاوت عمده این شاخه از حقوق در واکنش غالباً شدید جامعه علیه بر هم زدن نظم عمومی آشکار می‌شود، از این رو حقوق جزا را حقوق ضمانت کنند. نظم اجتماعی تعریف کرده‌اند.[۲] تخلف از برخی مقررات تجاری دارای ضمانت اجرای کیفری است که در این زمینه تابع مقررات حقوق جزایی هستیم.

مبحث پنجم: ارتباط حقوق جزا با حقوق اداری

حقوق اداری متهم و مکمل حقوق اساسی است، بدین معنا که هر یک از قواعد حکومتی برای انجام وظایف‌شان سازمان‌هایی را ایجاد می‌کنند تا در انجام امور جزایی به آن‌ها کمک کنند. اعمال اداری به معنای محدود خود، مربوط به اعمال عادی و روزمره‌ی زندگی اجتماعی است و دارای دو هدف عمده حفظ نظم عمومی و تأمین خدمات عمومی است.

در فعالیت‌های تجاری که نوعی خدمات عمومی بوده و می‌بایست ضمن فعالیت نظم عمومی نیز حفظ گردد ناگزیر هستیم از حقوق اداری پیروی نماییم.

مبحث ششم: تجارت در اسلام

تجارت در دین اسلام بر پایه معنویت و فضیلت و در کتب فقهی کراراً به تاجر تأکید شده است که از روی عدل و انصاف رفتار نماید. زیرا هدف از تجارت فراهم ساختن وسائل رفاه عمومی در جامعه بشری است.

---

[۱] جعفر لنگرودی – محمدجعفر – ترمینولوژی حقوق – تهران – گنج دانش – چاپ سیزدهم ۱۳۸۲ ص ۲۳۸

[۲] نوربها – رضا- حقوق جزای عمومی – تهران – گنج دانش – چاپ هجدهم ۱۳۸۶ ص ۱۰

در جامعه‌ی اسلامی کلیه روابط اجتماعی باید بر مبنای فضائل اخلاقی و درنظر گرفتن اعتقادات مذهبی استوار باشد و از اصول مهم حقوق تجارت؛ گردش ثروت و توزیع عادلانه آن می‌باشد. ضمناً به منظور توزیع عادلانه ثروت و کمک به اشخاصی که هیچ‌گونه قدرت کار در جامعه ندارند خداوند زکات را واجب دانسته که یکی از فواید آن توزیع عادلانه ثروت خواهد بود.
از دید اسلام، تجارت از دو جهت نیازمند آگاهی است، اول دانش دینی و دوم مهارت و تخصص کاری، ضمن اینکه در اسلام پایبندی و ممنوعیت‌هایی دارد که عباتند از منع تولید و مصرف کالای حرام – ممنوعیت فعالیت‌های مبتنی بر ربا و رشوه- قاعده لاضرر – ممنوعیت اکل مال به باطل و غیره.[۱]

گفتار ششم: قلمرو حقوق تجارت

منظور از قلمرو حقوق تجارت این است که چه مسائلی باید مشمول حقوق تجارت باشد.
در نظام‌های حقوقی در ارتباط با شناخت بازرگان یا تاجر از غیر بازرگان دو دیدگاه مطرح شده است:

الف. مکتب شکلی ب. مکتب موضوعی

مبحث اول: مکتب شکلی

طبق دیدگاه مکتب شکلی، حقوق تجارت رشته‌ای است که به اعمال و اقدامات حرفه‌ای تجار می‌پردازد و هر کس تاجر باشد، فعالیت‌های او مشمول قانون تجارت است و فعالیت‌هایی که توسط اشخاص غیر تاجر انجام می‌گیرد مشمول قانون تجارت نیستند.
بنابراین نظریه کسانی که مطابق ضوابط و مقررات مربوط، نام خود را به عنوان تاجر نزد دوایر اداری ذی‌ربط به ثبت رسانده باشند فعالیت‌هایشان مشمول قانون تجارت و سایرین را ازشمول قانون تجارت خارج می‌دانند. این نظریه به اعتبار شخص، نظریه شخصی نامیده شد و مصداق آن معاملات ماده ۳ ق.ت است.

[۱] حسینی میرزا حسن و فروزنده دهکردی و ؟؟ ۱۳۹۰ – ارائه چارچوب مفهومی در بازاریابی براساس مبانی اسلام – فصلنامه علمی پژوهشی شماره ۴۲

مبحث دوم: مکتب موضوعی

در نظریه موضوعی صرف نظر از آنکه شخص تاجر باشد یا غیر تاجر، مشمول حقـوق تجـارت می‌داند و صرفاً نوع فعالیت در آن اهمیت دارد و مصداق آن ماده ۲ ق.ت است.

موضوع حقوق ایران به موضوع بینابین اتخاذ شده لذا سیسـتم حقـوق ایـران در بـاب موضـوع قلمرو حقوق تجارت مبتنی بر نظریه مختلط (شخصی- موضوعی) می‌باشد.